



آشنایی با مفاهیم

موردکاوی، موردپژوهی، مطالعه موردی، روایت‌پژوهی، اقدام‌پژوهی،
شگست‌پژوهی، تجربه‌نگاری، مستندسازی تجربه، رویکردپژوهی، داستان‌پردازی،
اندیشه‌پژوهی، درس‌پژوهی، زندگی‌پژوهی

اسفند ۱۴۰۲

موردکاوی:

موردکاوی، فرایندی است که در آن لایه‌های گوناگون یک مورد با استفاده از قواعد منطقی و کدگذاری کنکاش می‌شود تا مساله اصلی و فرعی و عوامل موثر بر چگونگی شکل‌گیری آن‌ها شناسایی و فهمیده شود. هدف موردکاوی برقراری پل ارتباطی بین مطالعات کتابخانه‌ای از یک سو و اطلاعات زندگی واقعی از سوی دیگر می‌باشد، تا اصول و نظریه‌های علمی در پشت دیوارهای دانشگاه باقی نمانند. موردکاوی و تجربه‌نگاری روش‌های کاری، دانش و آموخته‌های مدیران، روشی مطمئن برای انتقال تجربیات به مدیران آینده است و این مهم به‌عنوان اساسی‌ترین اقدام مؤسسات و سازمان‌های پیش‌رو مورد توجه است. در حقیقت مستندسازی دانش و تجربه دیگران، راهنمای سیر مدیران آتی با درک مسیر توصیف و تشریح، تبیین، پیش‌بینی و کنترل وضعیت آینده براساس تجربیات شکل گرفته است تا متوجه شوند چه اقداماتی در گذشته صورت گرفته و در پی آن چه عوایدی را برای سازمان به همراه داشته است.

موردپژوهی:

موردپژوهی، بررسی متمرکز و عمیق یک فرد، گروه، رویداد یا اجتماع است که شامل تجربه‌ها، بررسی آماری و کند و کاو داده‌های بایگانی‌شده می‌باشد. موردپژوهی بر اقدام عملی مبتنی است و به همین دلیل ممکن است پیچیده و میان رشته‌ای باشد و فرصت‌هایی را برای درک مسائل و جستارهای وابسته با نمونه پژوهش پدید آورد. در این روش، پژوهشگر موردی، یک مورد را انتخاب و آن را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کند. موردپژوهی مطالعه‌ای است که طی آن اولاً، یک مورد (موردپژوهی تک موردی) یا تعداد محدودی از موردها (موردپژوهی تطبیقی) در شرایط واقعی خود مطالعه شده، دوماً یافته‌های حاصل از این مطالعه به شیوه کیفی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

مطالعه موردی:

این رویکرد یک روش یا شیوه نیست، بلکه نوعی استراتژی پژوهشی است که درون این استراتژی، روش‌ها و شیوه‌های متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ممکن است این روش‌ها کمی، کیفی و یا ترکیبی از هر دو روش باشند. در این روش پژوهشگر به انتخاب یک مورد پرداخته و آن را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کند. این مورد می‌تواند یک واحد و یا سیستم با حد و مرز مشخص و متشکل از عناصر و عوامل متعدد و مرتبط به هم باشد. هدف کلی در این روش مشاهده تفصیلی ابعاد «مورد» تحت مطالعه و تفسیر مشاهده‌ها از دیدگاه کل‌گرا است. از این رو مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرایندها و درک و تفسیر آن‌ها انجام می‌شود.

روایت پژوهی:

روایت پژوهی یک چارچوب تحلیلی است که در آن پژوهشگر به تفسیر داستان‌های مرتبط با پدیده مورد بررسی می‌پردازد. روایت پژوهی فعالیت بسیار مهمی است، زیرا روایت‌ها به افراد کمک می‌کند تا تجربیات‌شان به صحنه‌هایی معنادار از یک داستان تبدیل شوند. این امر مستلزم استفاده از روش‌های استدلال فرهنگی و ارائه محتوا است. روایت یک طرح اساسی برای پیوند دادن رویدادهای انسانی است که ترکیبی قابل درک را ایجاد می‌کند. روایت پژوهی از دو منظر طرح پژوهش و خروجی یک پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

اقدام پژوهی:

اقدام پژوهی یا تحقیق در عمل، یکی از روش‌های تحقیق کیفی است. در این رویکرد، پژوهشگر یا متقاضی تغییر و تحول، مسئله یا مشکل را شناسایی می‌کند و برای حل آن، یا ایجاد تغییر در آن، به‌طور دقیق اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کند. سپس، به اقدام مناسب مبادرت می‌ورزد و از نتایج اقدام، ارزیابی به عمل می‌آورد. هدف اقدام پژوهی، مشارکت در تحقیق منظم، به‌منظور تولید دانش در مورد موضوعات مهم است. اقدام پژوهی، یک گذر یا تلنگر به تحقیقات است که معمولاً توسط متخصصان انجام می‌گیرد و در آن سعی می‌شود آموزش و عملکرد آن‌ها، مورد بررسی دقیق قرار گرفته و با ارائه راهکارهای مناسب، بهبود داده شود.

شکست پژوهی:

شکست پژوهی عملاً به شرایط و فرآیندی اشاره دارد که با وجود برخی فعالیت‌های انجام شده، محصول و نتایج مثبت و مورد انتظاری را به وجود نیاورده است. این مهم می‌تواند به هر تعداد از مسائل رایج که از ناراحتی‌های جزئی تا فاجعه‌های کامل را شامل می‌شود، اشاره کند. در این سبک از مطالعات باید به دنبال این مهم باشیم که چه چیزی نتیجه دارد و چه چیزی نتیجه‌بخش نیست و فقط بر آنچه لازم است بهبود پیدا کند، تمرکز نماییم؛ نه اینکه به‌سختی برای تغییر همه چیز کار شود. سازمان‌ها یا افرادی که شکست می‌خورند، لزوماً کمتر کار نمی‌کنند (نسبت به کسانی که موفق می‌شوند). آن‌ها حتی ممکن است بیشتر کار کرده باشند؛ نکته این است که آن‌ها بیشتر تغییرات غیرضروری را انجام داده‌اند.

تجربه‌نگاری:

تجربه‌نگاری فرهنگی به معنای مطالعه موردی و میدانی یک تجربه متفاوت و قابل توجه فرهنگی است که قابل الگوگیری توسط دیگر فعالان تخصصی آن حوزه باشد. تجربه‌نگاری به معنای ثبت خاطرات جالب یا نظرات بدیع افراد خاص نیست، بلکه به معنای تمرکز بر روی یک تجربه محقق شده و قابل الگوبرداری و تحلیل آن است.

مستندسازی تجربیات مدیریتی:

فرآیندی است که طی آن با دیدگاهی جامع، به ثبت یک تجربه مدیریتی پرداخته می‌شود. به گونه‌ای که دیگران بتوانند با مراجعه به مستندی که تهیه شده است، به ابعاد گوناگون تجربه و فرآیند تحقق آن پی برده و از آن یادگیری لازم را داشته باشند. این مهم، ابزاری است که امکان استفاده و به‌کارگیری تجربیات فردی و گروهی را برای توسعه سازمانی فراهم می‌سازد و با ذخیره نمودن تجربه موجود در سازمان، هزینه تجربی آتی سازمان را تا حد زیادی کاهش می‌دهد و خود نقش بسزایی در توانمندسازی کارکنان دارد. این مفهوم، در سال‌های اخیر، در ادبیات مدیریت، جایگاه ویژه‌ای باز کرده است. بسیاری از مدیران و پژوهشگران مدیریت، کلید کارآمدی و پتانسیل نوآوری و رشد سازمان را در یادگیرنده بودن آن می‌دانند.

رویکرد پژوهی:

منظور از رویکرد پژوهشی نگاهی مبتنی بر پژوهش نسبت به موضوع‌های مختلف می‌باشد. در این نوع نگاه قبل از اتخاذ هر تصمیم مهم، به یافته‌های پژوهش‌های قبلی که به موضوع تصمیم‌گیری ارتباط دارد توجه می‌شود. به بیان دیگر، در رویکرد پژوهش‌مدار از یافته‌های پژوهش‌های قبلی برای بهبود وضع موجود استفاده موثری به عمل می‌آید. کسانی که در فعالیت‌های خود رویکردی پژوهشی دارند قبل از هرگونه تصمیم‌گیری به مطالعه وضعیت موجود پرداخته و با تجزیه و تحلیل مشاهدات خود به بهترین راه‌حل‌ها می‌اندیشند. همچنین، آنان تلاش می‌کنند تا از نتایج آثار سایر پژوهشگران نیز به نحو شایسته‌ای استفاده کنند. بنابراین، رویکرد پژوهشی به قشر یا گروه خاصی محدود نشده و زمانی منشاء اثر خواهد بود که در سطوح و امور مختلف جامعه تسری یافته باشد.

داستان‌پردازی:

داستان‌پردازی، مهارت استفاده از حقایق، رویدادها و داستان‌ها برای برقراری ارتباط با مخاطبان است. برخی از داستان‌ها واقعی و برخی تخیلی هستند. داستان‌پردازی باعث انگیزه بخشیدن به تیم و ارتقاء برندگان و جلب نظر مخاطبان و همچنین باعث برقراری ارتباط مشتریان با برندگان می‌شود و به کارهای که برندگان انجام می‌دهند اشاره دارد. داستان‌پردازی درباره اهداف فروش است همچنین خسته‌کننده نیست.

اندیشه‌پژوهی:

اندیشه‌پژوهی یک روش خاص و کاربردی برای انجام پژوهش در حوزه «اندیشه» است. این روش یک روش کاربردی در حوزه اندیشه‌پژوهی و اندیشه‌شناسی (اعم از اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، مدیریتی، تربیتی، روانشناسی، ادبی، هنری، فلسفی، عرفانی، فقهی، کلامی ارتباطات و رسانه‌ای و...) است و تلاش می‌کند تا روشی کاربردی با اصول و قواعد روشن ارائه شود تا پژوهشگران را با خطای کمتر و فایده بیشتر به نتیجه برساند. روشی که اندیشه‌پژوهی معرفی می‌کند، «مرحله لایه‌ای» نام دارد. از آنجا که اندیشه و شخصیت هر متفکر، دارای لایه‌های متعدد است، این روش، طی مرحله‌های مختلف، این لایه‌ها را شناسایی و تحلیل می‌کند. این روش، نخست به این دلیل که در مطالعات مشابه با یک نگاه کلان و از بالا، انواع روش‌ها را دسته‌بندی و تعریف می‌کند و دوم این که تعاریف و شاخص‌هایی را که معمولاً در آثار روش تحقیق دیده نمی‌شود، برای نوشتن مقدمه، نتیجه‌گیری خلاصه، چکیده و... برای پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بیان می‌دارد.

درس‌پژوهی:

یک رویکرد ساختارمند مطالعه، توسعه و بهبود آموزش و یادگیری است. به بیان دیگر یک چرخه پژوهشگری درباره یادگیری است که به منظور ارتقای یادگیری و اصلاح و بهبود آموزش اجرا می‌شود. درس‌پژوهی فعالیت اشتراکی است که به منظور فراهم کردن بهترین فرصت یادگیری شکل گرفته است. درس‌پژوهی رویکردی برای توسعه حرفه‌ای است که طی آن فراگیران با یکدیگر جهت تدوین طرح درس، اجرا، مشاهده و تحلیل نتایج آن در جهت بهبود یادگیری، همکاری و مشارکت می‌نمایند. می‌توان گفت تدریس‌پژوهی یا درس‌پژوهی یک رویکرد جدید برای رشد حرفه‌ای فراگیران و بهبود روش‌های آموزشی است. درس‌پژوهی فرد را به بازاندیشی در عمل آموزش از طراحی، برنامه‌ریزی و گرفتن بازخورد و اصلاح فرایند یادگیری وادار می‌کند.

زندگی‌پژوهی:

زندگی‌پژوهی در رابطه با پژوهش در داستان‌های آموزنده و نتیجه‌گیری اخلاقی از آنها است. زندگی‌پژوهی باعث پیشرفت فرد در مهارت‌هایی نظیر گوش دادن، تجسم، تصور و خلاقیت می‌شود. تاکنون مباحث متعددی در مورد تاثیر کلی قصه بر افراد ارائه شده است.